

## پیامی نو از «اسلام هراسی»

با فطرت چیزی نیست. لذا به تدریج گمشده خود را در آیین اسلام پیدا کرده‌اند، و اگر عوامل بازدارنده‌ای در کار نباشد، اروپای آینده از آن اسلام است.

پیشرفت اسلام در غرب در نظر کلیسا و کلیسایان و کسانی که پشت سر آنها هستند ناقوس خطری است که نواخته شده و باید برای آن فکری کنند. ابزار گذشته مانند نوشتن ردیه‌ها و انتقاد از احکام اسلام مانند تعدد زوجات و یا بستن دروغ به پیامبر ﷺ دیگر کارایی ندارد. باید از ابزار جدید بهره بگیرند و آن همان هنر تجسمی است که می‌تواند در دل مردم جای بگیرد و مردم را نسبت به اسلام، بدبین سازد. از این جهت، کلیسا همگام با رجال حکومت، از وجود ملحدان که می‌توانند بازیگران این صحنه باشند استفاده کرده و آنان را جلو انداختند و خود، پشت صحنه

جهان غرب، بر اثر تکامل صنایع، در رفاه مادی به سر می‌برد، همه وسایل لذت بخش برای او فراهم گشته است و لکن از درون، یک نوع احساس پوچی می‌کند زیرا زندگی مادی توانسته آرامش روحی و روانی برای آنان فراهم سازد و انسان در نظر او مانند حیوانی است که جز تولید و مصرف و سرانجام مرگ و نابودی سرنوشتی ندارد.

تصور غربیان در گذشته این بود که ساز و آوازهای رامشگران می‌توانند به زندگی آنان لذت بخشند، و با نوشیدن مشروبات الکلی، آرام روحی را فراموش می‌کنند، ولی سرانجام به این نقطه رسیده که این ابزار مادی نمی‌تواند عطش آنان را فرو نشاند، از این رو به دنبال یک پناهگاه معنوی اصلی هستند که به روح و روان آنان آرامش بخشد و آن جز دین الهی هماهنگ

جریحه‌دار خواهد ساخت، ولی آنان بدانند این نوع تلاش‌ها برای توقف موج اسلام خواهی، ممکن است اثر موقت داشته باشد، ولی در آینده در پرتو اشعه خورشید عالمتاب اسلام، ابرهای تیره و تار جهالت، کنار خواهد رفت و سیمای واقعی منجی جهان بشریت، و آیین پاک او جلوه‌گر خواهد شد، و مصداق «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» تحقق خواهد یافت.

### شیوه‌های مقابله

ما به حکم دفاع مشروع باید از حرمت و ایده‌های مقدس خود، دفاع کنیم و کارهای ضد هنری آنها را با کارهای هنری خود خنثی سازیم، و از حربه اقتصاد بهره بگیریم. تمام محصولات دانمارک و هر کشوری را که این هتاک‌ها را تکرار کند، و به حریم اسلام و مسلمانان تجاوز نماید تحریم کنیم و روابط سیاسی را به پایین‌ترین حد خود برسانیم و از نفوذ فرهنگ منحط آنان در جوامع خود جلوگیری کنیم.

این نوع اعمال وقیح و کارهای ناشایست حاکی از آن است که غرب،

از آنها حمایت می‌کنند. تا اگر از سوی رجال اسلامی زبان اعتراض بر آنان گشوده شود، بگویند کار ما نیست بلکه کار يك مشتم ملحد آزادیخواه هست که این صحنه را پدید آورده‌اند.

اما آنان همه را ساده می‌انگارند و تصور می‌کنند این نوع عذر تراشی‌ها، می‌تواند جهان بیدار را قانع سازد. اگر انگیزه‌ای در کار نیست پس چرا این ملحدان سراغ ادیان دیگر نمی‌روند و فقط در میان ادیان و شخصیت‌های الهی جهان، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را نشانه گرفته‌اند؟ این هجوم، از نگارش کتاب «آیات شیطانی» تا به امروز به صورت‌های گوناگون آغاز شده و روز به روز تندتر و شدیدتر می‌شود.

مسئلاً هجوم ملحدان و بازیگران این صحنه و کمک‌های پشت صحنه، در این حد متوقف نشده و از هنرهای دیگر بهره خواهند گرفت و با نوشتن نمایشنامه‌های دروغ درباره اسلام، زشت‌ترین اعمال را در زندگی بشریت مرتکب خواهند شد، و قلوب يك میلیارد مسلمان موجود و میلیاردها نفر از نسل‌های آینده را

انجام می‌گیرد. و در حقیقت گردانندگان این سناریو، مصداق روشن این آیه قرآن کریم هستند که می‌فرماید:

﴿أَفَأَنْبِتُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا \* أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا \* ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا﴾ (کهف/ ۱۰۳-۱۰۴)

«آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین مردم در کارها چه کسانی هستند؟ آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده و با این حال می‌پندارند که کار نیک انجام می‌دهند. آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و دیدار او کافر شدند و به همین جهت، اعمالشان نابود شده و از این رو در روز قیامت وزن و ارزشی برای آنها به پا نخواهیم کرد. این گونه است که کیفرشان دوزخ است، زیرا کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به مسخره گرفتند».

### آزادی یا اجرای اوامر دیکته شده

همان طور که گفتیم سران غرب به

کنترل اعصاب خود را از دست داده و به قدری به وحشت افتاده که از زشت‌ترین و ناشایسته‌ترین اعمال که در دوران جاهلیت برای مقابله با پیامبر اسلام ﷺ استفاده می‌کردند، بهره می‌گیرد، و اگر احساس بیچارگی و آشفتگی در برابر پیشرفت اسلام نمی‌کرد، هرگز به منحط‌ترین اعمال شیطانی پناه نمی‌برد.

اگر واقعاً اروپا منادی آزادی و احترام متقابل به ملت‌ها و ادیان مختلف است، چرا باید اسلام که حلقه وصل تمدن‌ها است و حق عظیمی بر همین قاره دارد، این گونه مورد حمله قرار گیرد و احساسات مسلمانان جهان و از جمله مسلمانان اروپا را که جمعیتی بالغ بر ۱۶ میلیون نفر دارند، جریحه دار شود؟!

ولی مسلماً خردمندان اروپا و انسانهای وارسته جهان از این زشتکاری‌ها متنفر بوده، و آنها را نمی‌پسندند. مسلماً این کار هر چند به ظاهر در سرزمین اروپا انجام می‌گیرد ولی توطئه‌ای است که از ماورای بحار و از سوی آمریکا و اسرائیل دیکته شده، و اروپا خود قربانی جنگی است که به سود دیگران در سرزمین او

لایبها و باندهای مافیایی بین‌المللی هستند، و حتی قادر به بیان درست انگیزه خود از این کار نمی‌باشند.

مسئلاً مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی همراه با مسئولان دیگر کشورهای اسلامی با همفکری و همدلی و دور از تنش باید به مقابله حساب شده پردازند و از این پدیده شوم به سود انسجام اسلامی و همگرایی ملت‌های مسلمان استفاده کرده و این تهدید را تبدیل به يك فرصت طلایی نمایند و به آیه ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ تجسم بخشند.

هنگام اعتراض مسلمانان، می‌گویند: این گروه، از آزادی مطلق که بر غرب حاکم است استفاده می‌کنند و ما در این کار، نقشی نداریم، در حالی که باید دید انگیزه معدود هنرمندانی که به چنین کاری تن داده‌اند چیست؟ آیا آنها از اسلام و مسلمانان ضربه‌ای خورده‌اند یا تجربه بدی داشته‌اند و یا انسانهای متفکری هستند که بر اثر تفکر و مطالعات عمیق در اسلام و تاریخ آن و کتاب آسمانیش به این حقایق رسیده‌اند و می‌خواهند، آن را با کار هنری بیان کنند؟ به طور مسلم نه!، بلکه آنان مجری اوامر دیکته شده قدرتهای جهانی و